

معلم ورزش معلم‌ترین است

گفت‌و‌گو با علی محمد مرتضوی

سمانه آزاد



عکس: مریم فرحی

اشاره

اگر کارنامه کاری علی محمد مرتضوی را مرور کنیم به مسئولیت‌های گوناگونی برمی‌خوریم. از معلم ورزش تا کارشناس مسئول تربیت بدنی استان تهران؛ از مدیرکل تربیت بدنی استان تهران در سازمان تربیت بدنی تا نایب رئیس و رئیس فدراسیون فوتبال. گرچه این کارنامه کاری شامل مسئولیت‌های گوناگونی است اما او همواره خود را معلم می‌داند. او معلمی را از روستا تا دانشگاه تجربه کرده و اکنون در اتحادیه فوتبال مشغول است. مصاحبه ما با مرتضوی در بحبوحه جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل و لیگ جهانی والیبال صورت گرفت. روزی که قرار بود ایران در نخستین مسابقه خود در جام جهانی به مصاف نیجریه برود و شب پیش از آن هم، تیم ملی والیبال دومین بازی خود با برزیل را در ایران به سرانجام رسانده بود. گفت‌و‌گوی ما با علی محمد مرتضوی درباره سابقه‌اش در آموزش و پرورش و دیگر نهادهای ورزشی و نیز اقداماتی است که او و همکارانش در دوره مسئولیت‌شان برای ورزش کشور انجام داده‌اند.

● آقای مرتضوی! گریزی بزنیم به زمانی که شما کارشناس مسئول تربیت بدنی و مدیرکل تربیت بدنی استان تهران بودید. در آن دوران چه اقداماتی برای تربیت بدنی و ورزش در مدارس انجام دادید؟
○ من سه بار در آموزش و پرورش به عنوان کارشناس مسئول منصوب شدم. در آن دوران در دوره ابتدایی

معلم ورزش نداشتیم. دانشگاه‌ها هم در آن دوران تعطیل بود. ما از این فرصت استفاده کردیم و از استادان دانشگاه‌ها دعوت کردیم و توانستیم ۸۰۰ دختر و پسر را طی یک سال آموزش دهیم و به عنوان معلم مقطع ابتدایی در مدارس استخدام کنیم. خاطره‌ای درباره این طرح دارم که شاید بد نباشد بشنوید. به اتفاق آقای مصطفی داوودی که مدیرکل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش بود، خدمت آقای رجایی که وزیر آموزش و پرورش بود رسیدیم و گفتیم می‌خواهیم برای دوره ابتدایی، معلم ورزش پرورش دهیم. ایشان لیخندی زد و گفت همین‌هایی که در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان هستند مگر چه می‌کنند؟ توپ را از پنجره بیرون می‌اندازند در حیاط! این کار را حتی فرارش مدرسه هم می‌تواند انجام دهد! ما هیچ استدلالی در این باره نداشتیم. چون شهید رجایی خودش معلم بود و با فضای مدرسه آشنایی داشت و به عینه دیده بود. اما ما برنامه‌ای را به نام بازی‌های دبستانی ترتیب دادیم. سپس در یک روز زمستانی سرد از آقای رجایی دعوت کردیم که اجرای برنامه بازی‌های دبستانی را ببیند. ایشان هم پذیرفتند و آمدند. در سالن فردوسی سابق که جنب اداره کل بود، سه نفری روی سکوی سیمانی یخ‌زده نشستیم و حدود ۹۰ دقیقه آقای رجایی دستش را زیر چانه‌اش زد و تمرین مربی با بچه‌ها را تماشا کرد. چون بازی‌های دبستانی بدون هیچ وسیله‌ای بود. بعد که کار مربی تمام شد به دفتر کار من برگشتیم. آقای رجایی به آقای داوودی گفت شما به من قول بده که در مدرسه چنین معلم ورزشی داشته باشیم من هم قول می‌دهم

که من نه معلم دینی و فارسی می‌خواهم نه ریاضی. فقط بچه‌ها در طول هفته بیایند این بازی‌ها را انجام دهند و بروند چون همهٔ جوانب در آن دیده شده است! ایشان همان‌جا مجوز را صادر کردند و ما توانستیم برای استخدام ۲۵۰۰ معلم ورزش در ابتدایی اقدام کنیم. آن ۸۰۰ نفر حاصل همین برنامه بود که البته عمر کاری ما و شهادت شهید رجایی کفاف نداد و نتوانستیم کار را ادامه دهیم.

● ویژگی‌های آن برنامه چه بود که مورد توجه شهید رجایی قرار گرفته بود؟

○ ما از بهترین اساتید دانشگاه‌های تهران و علم و صنعت و ... گزینش کردیم. از سوی دیگر جوانانی که به ورزش علاقه‌مند بودند اعم از دختر و پسر را انتخاب کردیم که در نهایت ۴۰۰ دختر و ۴۰۰ پسر انتخاب شدند. سپس آن‌ها را به صورت فشرده آموزش دادیم و بعد مجوز استخدام در آموزش و پرورش را برایشان صادر کردیم. از بین آن‌ها بیش از ۲۰ مدیرکل تربیت بدنی درآمد.

متأسفانه بعداً این طرح لغو شد. شاید اگر بعداً به همان صورت عملی، طرح به آقای اکرمی معرفی می‌شد، مطمئناً ایشان هم آن را می‌پذیرفتند. چون از دوره ابتدایی است که همه چیز شکل می‌گیرد. اگر مملکتی می‌خواهد پیشرفت کند باید در این دوره سرمایه‌گذاری کند.

● با توجه به سابقه‌ای که دارید، فکر می‌کنید درس تربیت بدنی در هر یک از دوره‌های تحصیلی، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

○ من خودم معلمی را از روستا تا دانشگاه تجربه کرده‌ام. آنچه که مهم‌ترین مسئله است، خود معلمان و شخصیت معلم است. چون بچه‌ها در هر مقطعی که باشند به بازی و ورزش علاقه‌مندند و الگوشان هم معلم ورزش است. اگر معلم ورزش انسان وظیفه‌شناس، وقت‌شناس، راستگو، مرتب و منظم و خوش‌بین باشد بچه‌ها هم مانند او پرورش پیدا می‌کنند.

من در ۱۳۵۳ وارد مدرسه برزویه تهران شدم. مدرسه‌ما آخرین مدرسه تهران بود و دیگر تا شهر ری هیچ ساختمانی نبود. وقتی به بچه‌ها در کلاس گفتم من معلم ورزش‌تان هستم هیجان‌زده شدند چون سال‌های قبل اصلاً معلم ورزش نداشتند و معلمان درس‌های دیگر سر کلاس بودند. وقتی هم گفتم تخصصم فوتبال است هیجان‌شان بیشتر هم شد. خب چنین دانش‌آموزانی معلم را الگوی خود قرار

می‌دهند. به‌نظرم مهم‌ترین مسئله در هر دوره‌ای این است که معلم خود را ساخته باشد، در این صورت است که حرفش به دل بچه‌ها می‌نشیند و دنباله‌رو معلم می‌شوند.

● این ساختنی که از آن نام می‌برید هم باید اخلاقی باشد هم علمی؟

○ صد در صد. باید همه جنبه‌ها را در بر بگیرد. نمی‌توان جو کاشت و گندم درو کرد. باید علم و آگاهی و توانایی در حوزه تخصصی را داشت. باید حرکت صحیح را به بچه‌ها نشان داد. بچه‌ها بیشتر از راه چشم یاد می‌گیرند. سال‌ها پیش در تعطیلات نوروز به بوشهر رفتم که مسابقات فوتبال دوره ابتدایی بود. آن زمان مسئول انجمن فوتبال وزارت آموزش و پرورش هم بودم. دیدم که سطح فوتبال بچه‌ها فوق‌العاده بالاست. از مسئولشان پرسیدم بچه‌های شما که در دوره ابتدایی این قدر خوب بازی می‌کنند چرا در سطوح بزرگسالان و باشگاهی بوشهر مطرح نیست؟ پرسیدم چه کسی به این‌ها آموزش می‌دهد؟ چرا معلمانی که در ابتدایی این قدر خوب آموزش می‌دهند در دوره‌های بالاتر موفق نیستند؟ پاسخ داد ما به این‌ها چیزی یاد نمی‌دهیم. بچه‌ها فوتبال را از تلویزیون تماشا می‌کنند و همان چیزی را که می‌بینند در زمین اجرا می‌کنند! یعنی بچه‌ها از راه دیدن آموخته بودند در حالی که معلمی به آن‌ها آموزش نداده بود. پس بچه‌ها بیشتر از راه دیدن می‌آموزند. اگر عمل، رفتار و حرکت‌های معلم خوب باشد بچه هم خوب می‌شود. متأسفانه ما در مدرسه به معلم ورزش اهمیت لازم را نمی‌دهیم. سال اولی که به تهران منتقل شدم به یک مدرسه راهنمایی رفتم. آخر سال داشتم از بچه‌ها در حیاط مدرسه امتحان می‌گرفتم. دیدم ناظم نگاهی به کار من انداخت سپس رفت و با مدیر برگشت. مدیر از من پرسید چه می‌کنی؟ گفتم امتحان می‌گیرم. پرسید مگر ورزش هم امتحان دارد؟ گفتم اگر امتحان ندارد پس چرا به من لیست می‌دهید؟ گفتم ۲۸ سال است که در آموزش و پرورشم، چند سال هم هست که مدیرم تا حالا ندیدم که برای ورزش امتحان بگیرند. پرسیدم پس در این مدت چگونه نمره ورزش داده می‌شد؟ گفتم خودم نمره ورزش می‌دادم. نمره‌های بقیه درس‌ها را نگاه می‌کردم و برحسب آن‌ها نمره ورزش را می‌نوشتیم. حال چنین حالتی را مقایسه کنید با زمانی که من در حال بازنشستگی بودم و اگر معلم ورزشی گرمکن و کورنومتر نداشت و سر کلاس حاضر نبود، انگشت‌نما می‌شد. در آموزش و پرورش در رابطه با تربیت بدنی خیلی کار شده ولی هنوز کارهای

اگر مملکتی
می‌خواهد
پیشرفت کند باید
در دوره ابتدایی
سرمایه‌گذاری
کند.
اگر معلم
ورزش انسانی
وظیفه‌شناس،
وقت‌شناس،
راستگو، مرتب،
منظم و خوش‌بین
باشد بچه‌ها هم
مانند او پرورش
پیدا می‌کنند

شرایط مملکت‌مان باشد. با توجه به شرایط آب‌وهوایی متنوع کشور نمی‌توان برای همه‌جا یک طرح و برنامه ریخت. باید ظرفیت‌های هر بخش کشور را در نظر بگیریم و ورزش متناسب با آنجا را تقویت کنیم مثل کشتی در مازندران، اسب‌سواری در ترکمن و ... در هر منطقه باید علائق مردم را در نظر گرفت.

● **پس فکر می‌کنید آموزش و پرورش باید با توجه به این مسائل برای هر منطقه برنامه‌ای طرح کند؟ این موضوع را می‌تواند به خود استان‌ها واگذار کند؟**

ببینید. وظیفه ما، آموزش و پرورش است. مثلاً در ابتدایی بنا به علاقه بچه‌ها و امکانات، می‌توان ورزش‌هایی را پیشرفت و توسعه دهیم. ورزش‌هایی هم که امکاناتی برایشان فراهم نیست معرفی کنیم. وظیفه ما در آموزش و پرورش این است که بگوییم مثلاً ورزش بوکس یا کشتی چیست. یعنی دانش آموز بنا به امکانات و شرایط زمانی و مکانی آشنایی اولیه با ورزش‌های اصلی و مهم پیدا کند. اما حوزه تخصصی دیگر به عهده آموزش و پرورش نیست. ورزش قهرمانی به فدراسیون‌ها مربوط است.

● **کمی هم به معلمان بپردازیم. به گفته شما معلم فارغ از اینکه چه چیزی درس می‌دهد باید الگو باشد. در واقع مجمع خوبی و لطف باشد و آنچه همه خوبان دارند معلم یکجا داشته باشد و معلم ورزش بیش از همه.**

○ **بله.** به نظر من معلم ورزش در رأس همه آنهاست.

● **چرا؟**

به خاطر اینکه الگوی عملی بچه‌هاست. وقتی بچه‌ها همراه معلم ورزش به زمین بازی می‌روند، فطرت خود را نشان می‌دهند. بچه‌ها هنگام بازی حالت طبیعی خود را دارند. اگر بچه لجباز، حسود یا دروغ‌گوست، در بازی بروز می‌دهد. معلم ورزش می‌تواند این موضوعات را شناسایی و اصلاح کند. معلمان دیگر این شرایط را ندارند. بچه‌ها معمولاً در کلاس درس‌های دیگر خود واقعی‌شان را بروز نمی‌دهند اما در کلاس ورزش، در شرایط بازی هستند و خود واقعی‌شان را بروز می‌دهند. به این لحاظ عرض می‌کنم که معلم ورزش، معلم‌ترین است.

● **چه توصیه‌ای به معلمان ورزش دارید تا بتوانند موفق عمل کنند؟**

○ توصیه من به خودم، شما و همه معلمان این است که اول خود را اصلاح کنند. به چیزی که می‌گویند ابتدا خودشان عمل کنند تا بچه‌ها هم به آن‌ها عمل

دیگری هم باید انجام گیرد. سال اولی که معلم شدم هر روز به مدرسه می‌رفتم و کارم را انجام می‌دادم. روزی در یک جلسه، یکی از همکاران گفت آقای مرتضوی آبروی هر چه معلم ورزش است برده! من که نمی‌دانستم چه خطایی از من سرزده پرسیدم: چرا؟ گفت چون هر روز به مدرسه می‌روی! این کار تو باعث شده مدیران پر توقع شوند. انتظار دارند ما هم به مدرسه برویم! یعنی رفتن معلم ورزش به مدرسه ننگ بود! فکر می‌کردند معلم ورزش فقط باید به باشگاه برود و مسابقه برگزار کند و در مدرسه کاری ندارد. حالا با وضعیت امروز مقایسه کنید.

● **به نظر می‌رسد استعدادیابی هم به نوعی از وظایف مربیان ورزش باشد. در گذشته هم این موضوع در آموزش و پرورش مطرح بود؟**

○ **بله.** ببینید! ما می‌توانیم استعدادیابی کنیم اما ورزش قهرمانی در حیطه وظایف آموزش و پرورش نیست. ما چند نوع ورزش داریم. ورزش پرورشی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای. وزارت آموزش و پرورش وظیفه ورزش پرورشی دارد.

● **این ورزش پرورشی که از آن نام بردید چگونه است؟**

○ یعنی ما باید ابعاد مختلف شخصیت دانش آموز را، چه جسمی و چه روحی پرورش دهیم. در این میان استعدادها را هم کشف می‌کنیم اما وظیفه پرورش آن استعدادها را فدراسیون‌ها برعهده دارند که ورزش قهرمانی را پی می‌گیرند. آن‌ها وظیفه پرورش استعدادها را دارند. من ۲۵ سال در آموزش و پرورش مسئول انجمن فوتبال وزارت آموزش و پرورش بودم. هر ساله یکی از وظایف ما برگزاری مسابقات قهرمانی کشور بود. ما این مسابقات را در سطوح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه برگزار می‌کردیم. این مسابقات از مرحله مسابقات بین مدرسه‌ای و منطقه‌ای و استانی شروع می‌شد تا به مرحله کشوری می‌رسید. ما بارها و بارها به فدراسیون فوتبال نامه نوشتیم و از آن‌ها دعوت کردیم که ناظری بفرستند و از میان بازیکنان چند نفر مستعد را انتخاب کنند و پرورشی دهند اما هیچ‌وقت هیچ ناظری نیامد.

○ یکی از نقدهایی که به این طرح‌ها می‌شود این است که اصلاً امکانات اجرای آن‌ها در همه کشور وجود ندارد. به نظر شما این طرح‌ها خوب و نتیجه‌بخش‌اند.

طرحی خوب است که همه جوانب کار در آن سنجیده شده باشد. فقط اگر آرمانی بخواهیم فکر کنیم، نمی‌توانیم کار کنیم. طرح‌ها باید با توجه به

در آموزش و پرورش، در تربیت بدنی خیلی کار شده ولی هنوز کارهای دیگری هم باید انجام گیرد



هر کس وظیفه خود را انجام دهد این کارها را می‌توان انجام داد.

طرح منطقه‌ای هم مدت‌ها پیش در تهران و فارس به‌صورت آزمایشی انجام شد. طبق این طرح قرار بود آموزش و پرورش، مسجد و سازمان تربیت‌بدنی با همکاری یکدیگر طرحی را پی بگیرند. به این ترتیب که آموزش و پرورش، فضا و معلم ورزش را تأمین کند، سازمان تربیت‌بدنی برنامه و تجهیزات را ارائه کند و مسجد نظارت محلی داشته باشد تا بچه‌ها در محله، فعالیت‌بدنی داشته باشند.

باشند. این کار انجام شد اما با نظر وزیر وقت، آقای پرورش - خدا رحمتشان کند - این طرح حذف شد. در جلسه‌ای که با دیگر دوستان در خدمت‌شان بودیم راجع به چرایی این طرح پرسیدند. من پاسخ دادم اول شما بگویید به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش در برابر دانش‌آموزان در خارج از مدرسه چه مسئولیتی دارید؟ ایشان پاسخ دادند که ما فقط در مدرسه مسئولیت داریم. با این دیدگاه من که مجری طرح بودم اعلام کردم اگر نظر شما این است پس دیگر ادامه طرح لزومی ندارد. ما به‌عنوان آموزش و پرورش وظیفه داریم در هر جایی از او مراقبت کنیم. ایشان چنین اعتقادی نداشتند و طرح را حذف کردند. به‌رحال دیدگاه‌ها با هم فرق داشت. اما من هنوز هم اعتقاد دارم دانش‌آموز در همه جا دانش‌آموز ماست. پس ما چرا انجمن‌های اولیا و مربیان را برگزار می‌کنیم؟ برای اینکه بدانیم در خانه با دانش‌آموز ما چگونه رفتار می‌شود تا دوگانگی پیش نیاید. در محله و رسانه و تلویزیون هم باید همین‌طور باشد.

● کاش این همکاری فدراسیون‌ها و آموزش و پرورش در حوزه ورزش دختران هم بود.

ببینید! همکاری فدراسیون والیبال در زمان آقای یزدانی خرم با آموزش و پرورش یک الگوست. آقای طالقانی هم در کشتی این کار را کرد اما تداوم نداشت و با رفتن آقای طالقانی منحل شد. اما آقای یزدانی خرم چند سالی رئیس فدراسیون بودند و این کار در والیبال ما ریشه دواند و ثمر داد. این می‌تواند یک الگو برای همه فدراسیون‌ها باشد. آموزش و پرورش طرح‌های زیادی را در حوزه تربیت‌بدنی پیشنهاد داد و اجرا کرد؛ مثل طرح‌هایی که برای شنا داشت.

کنند. قبل از اینکه چیزی را بگویند و به آن عمل کنند و ایمان داشته باشند. اگر معلم تربیت‌بدنی این کار را کرد همه کارها اصلاح می‌شود.

● در مورد بقیه ورزش‌ها هم همین‌طور بود؟

○ بله. بقیه ورزش‌ها هم همین‌طور بود. چون ما مسابقات کشوری را در حوزه دیگر ورزش‌ها هم انجام می‌دادیم. در مجتمع، والیبال و بسکتبال و ... در فاصله زمانی یک ماه و نیم در رامسر برگزار می‌شد ولی هیچ کاری نکردند. از سوی دیگر ادعا می‌شود که آموزش و پرورش هیچ کاری نکرده است. آموزش و پرورش مسئول قهرمان‌پروری نیست. این کار در حیطه فدراسیون‌هاست. ورزش حرفه‌ای هم زیر نظر اتحادیه‌هاست.

شاید در این میان ورزش والیبال استثنا باشد. به‌خاطر دارم سال‌ها پیش که آقای مصطفی کارخانه مربی والیبال تیم‌های نوجوانان و جوانان بودند نتایج خوبی کسب می‌کردیم. شاید بتوان گفت موفقیت‌های تیم ملی بزرگسال ما در این روزها ریشه در سرمایه‌گذاری در تیم‌های نوجوان و جوان ما داشته باشد.

○ خاطره‌ای به یاد دارم که نشان می‌دهد ریشه والیبال امروز ما به چه زمانی برمی‌گردد. من کارشناس مسئول تربیت‌بدنی استان تهران بودم. در آن زمان معمولاً رؤسای فدراسیون‌ها، سراغ کارشناس مسئولان نمی‌آمدند ولی آقای یزدانی خرم، روزی پیش ما آمد. ایشان گفتند می‌خواهم که به والیبال کمک کنید. من هم گفتم هر کمکی از من ساخته باشد انجام خواهم داد. گفت: من می‌خواهم چهار مجتمع ورزشی در چهار منطقه در تهران را در اختیارم بگذارید و بخشنامه کنید که معلمان ورزش دانش‌آموزان پسری را که قدشان ۱۸۰ سانتی‌متر است و کلاس اول راهنمایی هستند به ما معرفی کنند. من پذیرفتم اما با یک شرط؛ گفتم چون شما می‌خواهید در اماکن آموزش و پرورش به پرورش بچه‌ها بپردازید پس معلمان ورزش باید این کار را برعهده بگیرند. من کسی غیر از معلم ورزش را نمی‌پذیرم، یعنی معلم ورزش متخصص والیبال بالای سر این بچه‌ها باشد. ایشان هم پذیرفتند. در نهایت بهترین‌ها جمع شدند. معلمان هم که دیدند کار دست خودشان است، استقبال کردند. برنامه را فدراسیون می‌داد و معلم ورزش اجرا می‌کرد. در واقع به معلمان ورزش اعتماد شد. فدراسیون هم نظارت می‌کرد. حاصل آن تجربه، والیبال امروز ماست. مدتی هم آقای طالقانی در کشتی این کار را پی گرفتند. اگر

باید ابعاد
مختلف
شخصیت
دانش‌آموز را،
چه جسمی و چه
روحي پرورش
دهيم